

تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه

سید حافظ موسوی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

دکتر کیهان برزگر - استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

دکتر سید عبدالعلی قوام - استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مهدی ذاکریان - استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۵

چکیده

ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق همواره به‌سوی رقابت با یکدیگر حرکت کرده‌اند. این مقاله به‌دنبال بررسی تأثیر تحولات جهان عرب بر رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه با استفاده از رویکردی واقع‌گرایانه و امنیت محور می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحولات جهان عرب با تشدید رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه، موجب شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محوریت ایران و ترکیه شده است که در یک‌سوی آن روسیه، ایران، عراق و سوریه و در سوی دیگر ترکیه، عربستان سعودی، قطر و گروه‌های سلفی قرار دارند. همچنین ناتوانی ترکیه در این مسیر موجب ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و تعدیل سیاست منطقه‌ای ترکیه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تحولات جهان عرب، رقابت منطقه‌ای، موازنه قوا، موازنه تهدید، هژمونی منطقه‌ای

۱- مقدمه

ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای از زمان حکومت صفویه و عثمانی تاکنون - به استثنای دوران حکومت پهلوی - همواره در حال رقابت بوده‌اند. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و حاکمیت کمالیستها در ترکیه نیز روابط دو کشور تیره بود و ایران ترکیه را به‌عنوان یک حکومت سکولار که متحد آمریکا و اسرائیل بود، مورد انتقاد قرار می‌داد. هرچند با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه^۱ در ترکیه روابط دو کشور توسعه یافته است اما تحولات جهان عرب و تقابل دو کشور در سوریه و عراق یکبار دیگر موجب تیرگی روابط دو کشور گردید (Murcan, 2011: 65-75).

پس از پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی و تشکیل جمهوری ترکیه و همچنین در دوران جنگ سرد و حاکمیت نظام دو قطبی، رقابت میان ایران و ترکیه به‌عنوان متحدان منطقه‌ای اردوگاه غرب به رهبری آمریکا به‌دلیل آنکه نقش مستقلی نداشتند، متوقف گردید. اما پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های جدید دوباره رقابت میان دو کشور آغاز گردید. دور جدید رقابت میان ایران و ترکیه بیشتر سیاسی و اقتصادی بود.

ترکیه با اتکا به رشد اقتصادی سالهای اخیر خود و نیز تعامل سازنده با قدرتهای فرامنطقه‌ای غربی و نزدیکی به کشورهای همسایه و مجامع اسلامی تلاش نموده است تا از فرصت به‌وجود آمده برای دستیابی به هژمونی سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه استفاده نماید (Fuller, 2008: 67-115). نخبگان ترکیه معتقدند زمان آن رسیده است که ترکیه با استفاده از قدرت سرریز شده خود و تعامل با قدرتهای فرامنطقه‌ای و پیاده نمودن نظم جدید مدیریت جریان‌ات سیاسی و اقتصادی منطقه را در دست بگیرد. در صورت ایجاد نظم جدید قدرتهای منطقه‌ای دیگر مانند ایران و عربستان سعودی با چالش مواجه می‌شوند (Ozdem, 2010: 272-274).

با پایان یافتن جنگ سرد و از بین رفتن محدودیت‌های نظام دو قطبی، ایران و ترکیه به‌دنبال

ایفای نقش به‌عنوان بازیگر مستقل منطقه‌ای بوده‌اند. ایفای نقش جدید مستلزم ایجاد تغییرات اساسی در استراتژی‌های سیاست خارجی دو کشور متناسب با وضعیت جدید می‌باشد. در این راستا ترکیه ضمن تدوین استراتژی جدید سیاست خارجی تحت عنوان سیاست خارجی چند بعدی اقدامات وسیعی جهت پیاده نمودن سیاست خارجی جدید و گسترش نفوذ ترکیه در مناطق همجوار خود به‌عمل آورده است. اولین منطقه مورد نظر ترکیه جهت گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی این کشور پس از جنگ سرد، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. ترکیه با وجود نداشتن مرز مشترک با کشورهای این منطقه تنها با استفاده از اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی توانست ضمن توسعه نفوذ سیاسی و فرهنگی خود، بازارهای جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته از شوروی سابق را به تسخیر خود درآورده و از فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری بیشترین بهره را ببرد. به‌طوری‌که، بر اساس آمارهای موجود ترکیه در مقایسه با سایر کشورهای منطقه نظیر ایران در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ به مراتب بیشتری پیدا کرده است. علاوه بر این، ترکیه با حمایت قدرتهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و کشورهای اروپایی از موقعیت ترانزیتی خود جهت انتقال منابع نفت و گاز خزر از طریق خطوط لوله به اروپا نهایت استفاده را به‌عمل آورده است. در مقابل، ایران با وجود داشتن اشتراکات فراوان قومی، مذهبی و زبانی و مرزهای طولانی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی و ترانزیتی، دسترسی به مسیرهای امن انتقال انرژی با توجه بالای اقتصادی به اروپا و آسیای شرقی به‌دلیل نداشتن استراتژی منسجم و عدم تعامل با قدرتهای فرامنطقه‌ای، نتوانسته است از حلاء و فرصت به‌وجود آمده جهت گسترش نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود در جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته استفاده نماید.

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و عراق، فرصت دیگری برای ایجاد تعامل با قدرتهای فرامنطقه‌ای و ایفای نقش برتر و نیز گسترش نفوذ منطقه‌ای برای قدرتهای منطقه‌ای نظیر ایران فراهم نمود. اما ایران نتوانست از فرصت به‌وجود آمده به بهترین نحو استفاده نماید. با این حال روی کار آمدن دولت شیعه در عراق زمینه گسترش نفوذ ایران در عراق را فراهم نمود و ایران به‌عنوان رهبر جهان شیعه از فرصت ایجاد شده به بهترین نحو

استفاده نمود. ترکیه در ابتدا به دلیل تهدیدات ناشی از حکوت خودمختار اقلیم کردستان عراق با آمریکا همکاری نکرد، اما به تدریج و با برطرف شدن نگرانی‌های این کشور و وجود فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری و همچنین منابع انرژی در اقلیم کردستان تلاش نموده است تا نفوذ اقتصادی خود در عراق بویژه اقلیم کردستان را گسترش دهد. به طوری که، اکنون ترکیه اولین شریک تجاری عراق به حساب می‌آید. با این حال، نفوذ ترکیه در عراق با ایران قابل مقایسه نمی‌باشد. اقلیم کردستان با جمعیت ۵ میلیون نفر دارای ۴۵ میلیارد بشکه ذخیره نفت و ۱۲۷ تریلیون متر مکعب ذخیره گاز می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود ظرفیت تولید نفت اقلیم در سال ۲۰۱۶ به ۱ میلیون بشکه برسد. در سال ۲۰۱۳ اقلیم کردستان از طریق خط لوله کرکوک به اسکندرون ۳۵ میلیون بشکه در سال صادرات داشته است که این رقم تا ۵۰ میلیون بشکه در سال قابل افزایش است.

تحولات اخیر جهان عرب فرصت مناسبی برای قدرتهای منطقه‌ای نظیر ایران، عربستان سعودی و ترکیه فراهم نمود تا نقش منطقه‌ای خود را پررنگ‌تر نمایند. تحولات جهان عرب تعارضات ایدئولوژیک و درگیری‌های فرقه‌ای در سطح منطقه را تشدید نموده است. بحران سوریه و عراق را می‌توان اوج تقابل ایدئولوژیک و فرقه‌ای در سطح منطقه به حساب آورد. از یک سو میان منافع عربستان سعودی به عنوان حامی گروههای اسلام‌گرای افراطی و ترکیه به عنوان حامی گروههای اسلام میانه‌رو تعارض وجود دارد و از سوی دیگر میان ایران و عراق به عنوان حکومت‌های شیعه در منطقه از یک سو و ترکیه و عربستان سعودی به عنوان حامیان گروههای اهل سنت از سوی دیگر تعارض وجود دارد.

پژوهش حاضر ابتدا به الزامات منطقه‌ای و جغرافیایی که موجب گردیده است که ایران و ترکیه به جای شریک بیشتر رقیب باشند، می‌پردازد. با این فرض، تلاشهای ترکیه برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای و نفوذ در فضای داخلی ایران و همچنین حوزه‌های نفوذ پیرامونی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه در مقاطع مختلف زمانی پس از جنگ سرد بویژه پس از تحولات جهان عرب و استراتژی‌ها و واکنش‌های ایران در برابر ترکیه در چهارچوب موازنه منطقه‌ای و همچنین سناریوهای پیش‌رو برای جایگاه ایران و ترکیه در نظم

منطقه‌ای آینده تحلیل می‌نماید.

۲- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی داده‌ها و همچنین با استفاده از روش آماری تأثیر تحولات جهان عرب به‌عنوان متغیر مستقل بر رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه به‌عنوان متغیر وابسته بررسی کرده است. سوال اصلی پژوهش این است که آیا تحولات جهان عرب تأثیری بر رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه داشته است؟ فرضیه پژوهش نیز این است که تحولات جهان عرب رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را که پس از پایان جنگ سرد آغاز گردیده است را تشدید نموده است.

۳- مبانی نظری

برای بررسی سیاست و رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه می‌توان از رویکردهای مختلف تاریخی- ایدئولوژیک، همگرایانه اقتصاد محور و واقع‌گرایانه امنیت محور استفاده نمود. این پژوهش بهره‌گیری از مفاهیم و مفروضات نظریه‌های واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی، رویکرد واقع‌گرایانه امنیت محور را انتخاب کرده است. نظریه‌های واقع‌گرایی تهاجمی و تدافعی به‌دلیل پوشش دادن سطوح تحلیل خرد، میانی و کلان و همچنین داشتن مفاهیم و مفروضات غنی نظیر موازنه قوا، موازنه تهدید و هژمونی به‌خوبی می‌تواند رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را تحلیل نماید. تأثیر دیدگاه‌های نخبگان ترکیه نظیر اردوغان و داوود اغلو بر سیاست خارجی و منطقه‌ای ترکیه در سطح خرد را می‌توان با استفاده از نقش عوامل ذهنی به‌خوبی می‌توان تحلیل نمود. با استفاده از مفهوم موازنه قوا می‌توان گروه‌بندی‌ها و اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای پس از تحولات جهان عرب را تحلیل نمود. با استفاده از مفهوم موازنه تهدید می‌توان برداشت‌ها و واکنش‌های ایران و ترکیه در برابر یکدیگر به‌عنوان تهدید یا عدم تهدید را تحلیل نمود. با استفاده از مفهوم هژمونی می‌توان تلاش‌های ترکیه و ایران برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای تحلیل نمود.

در مطالعات مربوط به رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه پس از جنگ سرد بیشتر به رقابت میان دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز و رقابت دو کشور پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در عراق پرداخته شده است. در مطالعات انجام شده در مورد سیاست و رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه پس از تحولات جهان عرب بیشتر به تأثیر احزاب و گروه‌های سیاسی داخلی ترکیه نظیر حزب عدالت و توسعه بر رویکردهای سیاست خارجی این کشور با محوریت سیاست نوعثمانی‌گرایی و حمایت ترکیه از اخوان‌المسلمین مصر و سایر کشورهای منطقه و تلاش ترکیه برای تبدیل نمودن مدل حکومتی ترکیه به‌عنوان الگوی موفق دموکراسی اسلامی پرداخته شده است. در مطالعات انجام شده به تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست و رقابت منطقه‌ای و رفتارها و واکنش‌های ایران و ترکیه پرداخته نشده است. در این پژوهش تلاش شده است تا سیاستها، واکنش‌ها، رفتارها، نقش‌ها، تهدیدها و تقابل میان ایران و ترکیه و همچنین اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای پس از تحولات جهان عرب طی بحران سوریه و عراق مورد بررسی قرار گیرد و تلاش شده است که برای کمک به بهتر شدن کار از تجربیات شخصی پژوهشگر و آمار و اطلاعات اقتصادی منطقه‌ای نهایت استفاده به‌عمل آید.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- ایران و ترکیه شریک یا رقیب منطقه‌ای

اینکه ترکیه شریک یا رقیب منطقه‌ای ایران می‌باشد موضوعی است که در مورد آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. اما بررسی تحولات منطقه و سیاست خارجی ترکیه نشان داده است که ایران و ترکیه در سطح منطقه نمی‌توانند شرکای مناسبی برای یکدیگر باشند اما رقبای جدی هستند که رقابت آنها روز به روز شدیدتر می‌شود. میان ایران و ترکیه زمینه‌های همکاری مشترک چندان نیست و تضاد در منافع ایران و ترکیه بر زمینه‌های همکاری می‌چربد. بازی حاکم بر روابط ایران و ترکیه بازی با حاصل جمع صفر است. وقوع جنگ ۸ ساله ایران و عراق و وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران دلایل همکاری‌های موقت میان دو کشور بوده که آن هم بیشتر به تأمین منافع ترکیه کمک کرده است. استراتژی ترکیه برای نفوذ در حوزه‌های منافع

حیاتی ایران حول دو محور تدوین گردیده است.

اول: تلاش برای افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه در مناطق پیرامونی ایران نظیر آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی شوروی و نیز نفوذ در خاورمیانه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحولات اخیر جهان عرب؛

دوم: تلاش برای افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه در داخل ایران از طریق ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به عنوان نوعی اعمال قدرت علیه ایران.

۲-۴- تلاش ترکیه برای نفوذ در مناطق پیرامونی ایران

فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع^۱ و برطرف شدن محدودیت‌های ناشی از جنگ سرد موجب گردید که ایران و ترکیه به عنوان قدرتهای منطقه‌ای که دارای اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی با جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع بودند، به دنبال پر کردن خلاء قدرت به وجود آمده و ایفای نقش مستقل منطقه‌ای و دستیابی به هژمونی باشند. در این راستا، ترکیه با در دستور کار قرار دادن استراتژی نگاه به شرق در سیاست خارجی خود و تأسیس آژانس بین‌المللی همکاری و توسعه ترکیه^۲ اقدامات وسیعی جهت گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عمل آورد. ترکیه با وجود نداشتن مرز مشترک با کشورهای حوزه مستقل مشترک‌المنافع به دلیل داشتن برنامه‌ریزی منسجم و برخورداری از حمایت قدرتهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا بیشتر توانسته است به اهداف منطقه‌ای خود و کسب جایگاه منطقه‌ای برتر دست یابد. هدف اصلی آژانس بین‌المللی همکاری و توسعه ترکیه هماهنگ‌سازی، یکسان‌سازی، و هدایت سیاست‌های ترکیه در قبال کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود.

ترکیه تلاش نموده است که از طریق افزایش اعطای اعتبارات بانکی، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و افزایش مبادلات تجاری حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را بیشتر نماید. به طوری که، حجم سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در حوزه

1 - CIS
2 - TIKA

جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۲ به حدود ۸/۴ میلیارد دلار و میزان اعطای اعتبارات بانکهای ترک به کشورهای حوزه جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع به حدود ۱/۵ میلیارد دلار رسیده بود. حجم مبادلات تجاری ترکیه با کشورهای حوزه جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع نیز از حدود ۴۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به حدود ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش داشته است. حجم مبادلات تجاری ترکیه با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع از ۴۶۲۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به حدود ۲۵۳۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش داشته است. ترکیه همچنین ۲۰۰ موافقتنامه همکاری اقتصادی، سرمایه‌گذاری، گمرکی، حمل و نقل و بانکی و بیمه‌ای با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امضا نموده است.

اکتشاف و استخراج منابع انرژی در دریای خزر و لزوم انتقال آنها به بازارهای مصرف بین‌المللی بویژه اروپا، توجه ترکیه به‌عنوان یک کشور دارای موقعیت ممتاز جغرافیایی و ترانزیتی جهت انتقال منابع انرژی به اروپا را جلب نمود. به‌طوری‌که ضمن تأمین نیازمندیهای داخلی ترکیه به انرژی بر اهمیت این کشور به‌عنوان کشوری که در مسیر ترانزیت انرژی اروپا قرار دارد افزوده است. تعامل سازنده ترکیه با کشورهای اروپایی و آمریکا موجب گردید که کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اتحادیه اروپا از انتقال منابع انرژی خزر از طریق ایجاد خطوط لوله باکو-تفلیس-جیهان و خط لوله ناباکو به اروپا حمایت نمایند.

اما ایران با وجود داشتن مرزهای مشترک جغرافیایی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی، زبانی، و قومی با کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، به‌دلیل نداشتن دیپلماسی و استراتژی مشخص و نیز نبود یک نهاد مشخص برای سازماندهی و یکسان‌سازی فعالیت‌ها و عدم تعامل با قدرتهای فرامنطقه‌ای نتوانسته از فرصت فراهم شده جهت پر نمودن خلاء قدرت بوجود آمده جهت افزایش نفوذ و حضور خود در حوزه جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع استفاده نماید. ایران علی‌رغم انجام اقدامات محدود جهت نفوذ در بازارهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، صادرات کالاهای بدون کیفیت با توان رقابت‌پذیری پایین موجب گردیده که کالاهای ایرانی نتوانند با کالاهای ترک رقابت نمایند. بر اساس آمارهای موجود حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۱ کاهش داشته است.

ایران همچنین نتوانسته است از موقعیت ترانزیتی خود جهت انتقال کالا از حوزه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به حوزه خلیج فارس به‌خوبی استفاده نماید. در حوزه فرهنگی، ایران با وجود داشتن اشتراکات زبانی، دینی، فرهنگی و قومی با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نتوانسته است از این موقعیت برای افزایش نفوذ و حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز استفاده نماید. ایران با وجود داشتن موقعیت ممتاز جهت انتقال و ترانزیت منابع انرژی از دریای خزر به بازارهای جهانی در به‌دلیل نداشتن تعامل سازنده با قدرتهای فرامنطقه‌ای نتوانسته است از فرصت به‌وجود آمده جهت افزایش قدرت و جایگاه منطقه‌ای خود استفاده نماید (Alcenate & Tanner, 2010: 237-253).

جدول شماره ۱: سهم ایران و ترکیه از بازارهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۲۰۱۴ به میلیون دلار

سهم ایران از بازار کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز				سهم ترکیه از بازار کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز			
رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ایران به میلیون دلار	کشورها	رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ترکیه به میلیون دلار	کشورها
۵	۴.۴	۱۸۸	ارمنستان	۱	۲۵.۲	۱۹۵۸	ترکمنستان
۸	۳.۶	۱۸۰	تاجیکستان	۱	۱۷.۱	۱۳۴۶	گرجستان
۱۵	۱.۶	۱۲۹	گرجستان	۲	۱۳.۸	۱۴۸۱	آذربایجان
۱۵	٪۱	۱۱۸	آذربایجان	۴	۶.۹	۲۸۴	تاجیکستان
۲۷	٪۲	۱۴	قرقیزستان	۴	۵.۳	۲۱۰	ارمنستان
۴۲	٪۲	۸۲	قزاقستان	۶	۴.۵	۵۶۳	ازبکستان
۹۳	۶	۴۷۷	ترکمنستان	۷	۳.۴	۲۰۵	قرقیزستان
۱۰۰	۰	۶۲	ازبکستان	۱۱	۱.۸	۹۰۱	قزاقستان

www.Trade map.com

حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق فرصت مناسبی برای ایران فراهم آورد تا نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در عراق گسترش داده و جایگاه منطقه‌ای‌اش را ارتقا دهد. نفوذ اقتصادی ایران در عراق نیز در سالهای اخیر گسترش قابل توجهی یافته است. به‌طوری‌که، عراق اولین شریک تجاری ایران در بخش صادرات کالا و

خدمات فنی و مهندسی به حساب می‌آید. ایران در سال ۲۰۱۱ حدود ۴/۷ میلیارد دلار صادرات کالا شامل مواد غذایی و مصالح ساختمانی و حدود ۱/۶ میلیارد دلار صادرات خدمات فنی و مهندسی در بخشهای راه سازی، ساختمان سازی و نیروگاهی به کشور عراق داشته است.

ترکیه با حمایت از اقلیت اهل تسنن در ساختار قدرت سیاسی عراق به دنبال گسترش نفوذ سیاسی خود در دولت عراق است. اما به دلیل مشکلاتی که با دولت مرکزی عراق داشته است نتوانست نفوذش را در این کشور چندان گسترش دهد. ممانعت ترکیه از تحویل طارق الهاشمی رهبر اخوان المسلمین عراق به دولت مرکزی عراق که به دلیل خیانت به دولت عراق به اعدام محکوم شده، واردات نفت از اقلیم کردستان و حمایت از داعش از جمله این مشکلات می‌باشد.

ترکیه از طریق ایجاد شورای بازرگانان عراق و ترکیه، راه‌اندازی دفاتر تجاری در شهرهای اربیل، سلیمانیه، بصره و بغداد زمینه حضور تجار، سرمایه‌گذاران و شرکتهای فنی و مهندسی ترک را در عراق فراهم نموده است. بر اساس آمارهای موجود، تعداد شرکتهای فعال ترک در عراق در فاصله سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۰ از ۸۰ شرکت به ۴۰۰ شرکت رسیده است، در حالی که تعداد شرکتهای ایرانی فعال در عراق از ۴۰۰ شرکت به ۱۹۰ شرکت رسیده است. ترکیه به‌عنوان اولین شریک تجاری عراق ۲۹/۵ درصد از واردات عراق را به‌خود اختصاص داده است که پیش‌بینی می‌شود این رقم به ۷۰ درصد برسد. در حالی که ایران ۲۷ درصد از واردات عراق را در دست دارد. در سال ۲۰۱۰ حجم مبادلات تجاری ترکیه و عراق حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده است، در حالی که حجم مبادلات تجاری ایران و عراق حدود ۸ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که کردهای ساکن در اقلیم کردستان بیشتر مایل به افزایش نفوذ ایران هستند (Donyaye Eqtesad, 2012: 7-8).

جدول شماره ۲: سهم ایران و ترکیه از بازارهای منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۴ به میلیون دلار

سهم ایران از بازار کشورهای منطقه خاورمیانه				سهم ترکیه از بازار کشورهای منطقه خاورمیانه			
رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ایران به میلیون دلار	کشورها	رتبه در میان صادرکنندگان	سهم از کل واردات به درصد	صادرات ترکیه به میلیون دلار	کشورها
۲	۲۰	۶۲۰۰	عراق	۱	۳۰	۱۱۸۵۰	عراق
۱۴	۴.۵	۳۰۳	سوریه	۱	۱۶.۷	۱۰۲۵	سوریه
۵۱	۲٪	۴۲	لبنان	۲	۵.۶	۲۸۹	فلسطین
۶۶	۱٪	۱۸	اردن	۶	۵.۳	۱۱۳۴	لبنان
۱۱۴	۰	۵٪	فلسطین	۷	۳.۵	۷۵۵	اردن

www.Trade map.com

وقوع تحولات جهان عرب موجب گردید که بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه نقش منطقه‌ای خود را باز تعریف نموده و دوباره به دنبال پر کردن خلاء قدرت ایجاد شده و ارتقای جایگاه منطقه‌ای‌شان باشند. استفاده ترکیه از دیپلماسی عمومی و تلاش جهت معرفی این کشور به عنوان الگوی حکومتی موفق در سطح منطقه و حمایت ترکیه از مخالفان دولت بشار اسد و داعش در عراق را می‌توان در این راستا تحلیل نمود. هدف اصلی ترکیه از اقداماتش در منطقه برقراری نظم جدید منطقه‌ای و دستیابی به هژمونی در سطح منطقه می‌باشد ایران نیز به دنبال حفظ نظم موجود و استفاده از فرصت فراهم شده جهت گسترش روابط با کشورهای مهم منطقه نظیر مصر است. افزایش دیدارهای رسمی میان مقامات دو کشور در سطوح مختلف بیانگر این موضوع می‌باشد.

۳-۴- تلاش ترکیه برای نفوذ در داخل ایران و ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به عنوان شکلی از اعمال قدرت

ترکیه در سالهای اخیر به منظور پیگیری استراتژی افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش در داخل ایران از طریق ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به عنوان نوعی اعمال قدرت تلاش نموده است

نفوذ خود در ایران را افزایش دهد. به طوری که توانمندیهای داخلی ایران در خدمت منافع ترکیه باشد و ایران به طور مستقیم نتواند با جهان تعامل داشته باشد. ترکیه در راستای تحقق و اجرایی نمودن اهداف تعیین شده در استراتژی نفوذ خود در ایران اقدامات زیر را به عمل آورده است:

- سرمایه‌گذاری جهت ایجاد واحدهای تولیدی و خدماتی در استان‌های همجوار ایران و ترکیه؛

- نفوذ در بازار ایران از طریق ایجاد نمایندگی‌های فروش و ارائه برندهای ترک در ایران؛

- تبدیل نمودن ترکیه به عنوان مرکز نقل و انتقالات بانکی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران؛

- بورس نمودن دانشجویان ایرانی آذری زبان جهت تحصیل رایگان در دانشگاه‌های ترکیه؛

- فراهم نمودن زمینه ثبت نمایندگی شرکت‌های ایرانی در ترکیه جهت انجام نقل و انتقالات مالی؛

- افزایش تعداد شرکت‌های ایرانی فعال در ترکیه از ۳۱۹ شرکت به ۱۱۴۷۰ شرکت؛

- تبدیل نمودن ترکیه به مرکز صادرات و واردات مجدد کالا و خدمات به ایران.

۵- تجزیه و تحلیل

۵-۱- سیاست و رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه پس از تحولات جهان عرب

تحولات اخیر جهان عرب فرصت مناسبی برای قدرتهای منطقه‌ای مانند ایران، عربستان سعودی و ترکیه فراهم نمود تا خلاء قدرت به وجود آمده در منطقه را پر نموده و جایگاه خود در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند. ترکیه و عربستان سعودی علی‌رغم وجود شکاف ایدئولوژیک ناشی از قرائت‌های متفاوت از اسلام - میانه‌رو و افراطی - به دلیل ترس از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان رهبر جریان شیعی طی بحران سوریه در مقابل ایران و عراق متحد شدند (Furtig, 2014: 209-221).

ترکیه در راستای سیاست نگاه همزمان به شرق و غرب خود تلاش نمود تا از طریق تعامل با قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خلاء قدرت به وجود آمده را پر نماید. ترکیه با هدف

دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، دستیابی به منابع انرژی خاورمیانه و تصاحب بازارهای خاورمیانه سیاستهای توسعه‌طلبانه خود را آغاز کرد. همچنین ترکیه از طریق دیپلماسی عمومی و نفوذ در میان افکار عمومی منطقه به دنبال به چالش کشیدن نظم موجود در منطقه و ایجاد نظم مطلوب خود که در آن ترکیه به عنوان قدرت هژمون ایفای نقش نماید، بوده است (Dince & Yetim, 2012: 68-81).

به‌طور کلی، اقدامات ترکیه پس از تحولات جهان عرب را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

- ۱- حمایت از اسلام‌گرایان میانه رو در سطح منطقه و تلاش برای تبدیل نمودن حکومت ترکیه به الگوی حکومت‌های جدید در خاورمیانه؛
- ۲- فاصله گرفتن از آمریکا و اسرائیل (هویت غربی) و نزدیک شدن به جهان اسلام و کشورهای همسایه؛

۳- تلاش برای محدود نمودن نفوذ ایران در سطح منطقه به‌عنوان رهبر جهان شیعه. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترکیه به‌دلیل زیر نمی‌تواند الگوی مناسبی برای حکومت‌های جدید در جهان عرب باشد: اول: ترکیه به دنبال ایجاد سلطه در منطقه است نه برقراری دموکراسی اسلامی؛ دوم: ترکیه و جهان عرب دارای سابقه تاریخی، فرهنگ سیاسی، ساختار طبقاتی و هویت متفاوتی می‌باشند؛ سوم: ترکیه دولتی با هویتی غربی است اما جهان عرب دارای هویتی اسلامی است؛ چهارم: میان ناسیونالیسم عرب و ترک تعارض وجود دارد؛ پنجم: ماجرای پارک گزی نشان داد که وضعیت دموکراسی و آزادی‌های اساسی در ترکیه واقعی نیست و وضعیتی موقتی برای عضویت در اتحادیه اروپا است (Atasoy, 2011: 86-100). سیاست فاصله گرفتن ترکیه از آمریکا و اسرائیل که پیش از آن تصویر ذهنی از ترکیه به‌عنوان یک حکومت سکولار طرفدار غرب در میان جهان عرب ساخته بود، نیز در راستای نزدیکی به جهان عرب و کشورهای همسایه اتخاذ گردید. هر چند این سیاست در کوتاه مدت موجب بهبود وجهه ترکیه در میان افکار عمومی جهان عرب گردید، اما در نهایت نتوانسته است مؤثر باشد. مداخله ترکیه در مناقشات فرقه‌ای در سوریه و عراق را نیز می‌توان در

راستای محدود نمودن نفوذ ایران به‌عنوان رهبر جهان شیعه و کمک به روی کار آمدن اسلام میانه‌رو در سطح منطقه به‌حساب آورد (Fuller, 2014: 25-42). این سیاست نیز با کنار رفتن محمد مرسی از قدرت در مصر و طولانی شدن بحران سوریه و عراق با ناکامی مواجه گردید.

تحركات ترکیه در سوریه و عراق و ورود این کشور به حوزه‌های نفوذ ایران، واکنش ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای برتر که خواهان حفظ نظم موجود است را به‌دنبال داشته است. ایران با اعتقاد به اینکه توانایی مقابله در برابر تحركات ترکیه را دارد در بحران سوریه مداخله نمود. هدف از موازنه ایجاد شده از سوی ایران جلوگیری از گسترش نفوذ ترکیه در حوزه‌های حیاتی نفوذ ایران که شامل محور مقاومت و حزب الله لبنان نیز می‌باشد. میزان توانمندی ایران و ترکیه و سطح تعامل آنها با قدرتهای فرامنطقه‌ای نظم منطقه‌ای جدید را مشخص می‌سازد (Barzegar, 2010: 1-2). سیاست‌های توسعه‌طلبانه ترکیه در منطقه خاورمیانه و مداخله ترکیه در بحران سوریه و عراق رقابت میان ایران و ترکیه را به اوج خود رساند.

برخلاف ترکیه، ایران در ابتدا نسبت به تحولات اخیر جهان عرب برخوردی محتاطانه از خود نشان داد. هر چند مقامات ایرانی تلاش‌هایی برای برقراری ارتباط با حکومت جدید اخوان‌المسلمین در مصر انجام دادند. ایران زمانی به تحولات منطقه واکنش جدی نشان داد که سیاستهای توسعه‌طلبانه ترکیه منافع حیاتی ایران در منطقه بویژه در سوریه و عراق را تهدید می‌نمود. تهدیدات ترکیه علیه منافع ایران موجب ایجاد موازنه در مقابل ترکیه از طریق ائتلاف با روسیه و ایفای نقش فعال ایران در بحران سوریه و عراق گردید (Mohammad, 2012: 65-75).

پس از تحولات جهان عرب رهبران ترکیه معتقد بودند که این کشور می‌بایست با استفاده از فرصت به‌وجود آمده نقش منطقه‌ای خود را باز تعریف نماید (Ozkan, 2013: 163-176). زیرا تغییر در نظم موجود و ایجاد نظم جدید منطقه‌ای نقش ترکیه را از یک بازیگر مطرح در کنار سایر بازیگران منطقه‌ای به بازیگری برتر که مدیریت جریان‌ات سیاسی و اقتصادی منطقه را در دست بگیرد، تبدیل خواهد نمود. در نظم جدید ترکیه به‌عنوان بازیگر مسلط در قبال مسائل منطقه مسئولیت خواهد داشت. در صورتی که ترکیه بتواند به قدرت منطقه‌ای تبدیل

گردد، جایگاه بین‌المللی‌اش نیز تا حد قابل توجهی ارتقا خواهد یافت (Bechev, 2011: 173-179).

هدف دیگر مداخله ترکیه در بحران سوریه فراهم نمودن زمینه انتقال منابع گاز خلیج فارس به اروپا از طریق خطوط لوله قطر- عربستان سعودی- سوریه- ترکیه و نیز قطر- عربستان سعودی- عراق- ترکیه بوده است. در واقع، این استراتژی ترکیه ضمن کاهش اهمیت و موقعیت ژئواکونومیکی و ترانزیتی ایران، منافع ملی و اقتصادی ایران را تهدید می‌نماید. انتقال منابع انرژی خلیج فارس از طریق ترکیه ضمن تأمین نیازمندیهای این کشور به انرژی، وابستگی اتحادیه اروپا به مسیر روسیه را کاهش داده و اهمیت ترکیه به‌عنوان شریک استراتژیک اتحادیه اروپا را بالا می‌برد. انتقال منابع انرژی دریای خزر و خلیج فارس به اروپا بدون مشارکت ایران به‌عنوان دارنده بیشترین ذخائر نفت و گاز در منطقه علاوه بر انزوای سیاسی و اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای روند توسعه و رشد اقتصادی ایران به‌همراه داشته است.

۲-۵- تقابل ایران و ترکیه در چهارچوب ایجاد موازنه قوای منطقه‌ای

تحولات اخیر جهان عرب این فرصت را برای ترکیه فراهم نمود تا با حمایت از مخالفان رژیم‌های اقتدارگرا عرب و حکومت‌های جدید منطقه و تلاش برای بالا بردن وجهه خود در میان افکار عمومی ملت‌های منطقه و تبدیل شدن به الگوی حکومت مطلوب یا دموکراسی اسلامی در منطقه از طریق دیپلماسی عمومی به سمت کسب هژمونی منطقه‌ای حرکت نماید (Ayoob, 2012: 84-97).

سیاست‌ها و نیت‌های توسعه‌طلبانه ترکیه پس از تحولات جهان عرب موجب گردید که ایران ترکیه را تهدیدی برای منافع خود به‌حساب آورد و با وجود داشتن رابطه خوب با این کشور از طریق ائتلاف با روسیه علیه این کشور دست به موازنه بزند. اوج تقابل میان ایران و ترکیه در سطح منطقه را می‌توان در بحران سوریه و عراق مشاهده نمود (Katz 2013, 38-46). با آغاز بحران سوریه ترکیه با مداخله در امور داخلی سوریه و حمایت همه‌جانبه از

مخالفان اسد از سوریه درخواست نمود تا اصلاحات مورد نظر مخالفان را به انجام برساند و دموکراسی را بپذیرد. در نتیجه، روابط دو کشور به وخامت گرایید و سفارت ترکیه در دمشق تعطیل گردید. ترکیه نیز با برگزاری کنفرانس گذار به دموکراسی و کمک به تشکیل شورای ملی و ارتش آزاد سوریه و در اختیار گذاشتن مرزهایش و بندر اسکندرون به شورشیان و دادن آموزش‌های نظامی به آنها و مشارکت فعال در اجلاسهای ژنو ۱ و ۲ به حمایت خود از شورشیان و تلاش برای برکناری اسد ادامه داد. در بحران عراق نیز ترکیه برای سرنگونی حکومت شیعی عراق بیشترین کمک مالی و نظامی را به داعش یا دولت اسلامی عراق و شام نمود (Kardas, 2010: 115-136).

از نظر ایران نفوذ ترکیه در کشورهای عراق و سوریه که حوزه‌های نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران می‌باشند، تهدیدی مستقیم برای منافع و امنیت ملی این کشور به‌شمار می‌رود. ایجاد موازنه از طریق ائتلاف با روسیه که دارای منافع مشترک با ایران است و مخالف گسترش نفوذ آمریکا، اروپا و ترکیه در خاورمیانه می‌باشد، واکنش ایران در مقابل تهدیدات ترکیه بوده است. بسیاری از تحلیل‌گران مداخله روسیه در بحران سوریه و تقابل آمریکا و روسیه را به‌نوعی احیای جنگ سرد خوانده‌اند (Khoury, 2013: 73-87). روسیه حضور آمریکا و ترکیه در سوریه که پایگاه سنتی این کشور در خاورمیانه به‌حساب می‌آید و دارای پایگاه دریایی در بندر طرطوس می‌باشد را تهدیدی برعلیه منافع و امنیت ملی خود می‌داند. علاوه بر این سقوط اسد در سوریه و روی کار آمدن اسلام افراطی در منطقه موجب تقویت تروریست‌های چپ‌چن در روسیه خواهد شد و تهدیدی برای امنیت ملی روسیه می‌باشد (Baev, 2011: 11-19).

روسیه در برابر تحولات اخیر در جهان عرب واکنش‌های متفاوتی از خود نشان داده است. مدودف در سخنرانی خود از انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در تونس و مصر استقبال نمود و آن‌را برای منطقه مفید دانست. در مورد لیبی موافق مداخله ناتو و توسل به زور نبودند و به غرب هشدار دادند. در رابطه با بحرین و یمن نیز سیاست بی‌طرفی در پیش گرفتند. اما در مقابل بحران سوریه از خود واکنش نشان دادند و فروپاشی دولت سوریه را تهدیدی آشکار برای منافع این کشور در منطقه دانسته و اعلام نمودند که تغییر رژیم در سوریه موجب روی کار

آمدن و تقویت گروه‌های تروریستی اسلام‌گرای افراطی در منطقه خواهد شد (Turdoroice, 2013: 304-320).

ایجاد موازنه در برابر ترکیه به این معنی است که ایران بر این باور است که دارای قدرت کافی برای جلوگیری از نفوذ ترکیه در حوزه‌های حیاتی‌اش می‌باشد. طولانی شدن بحران سوریه و کشاندن آن به عراق این فرضیه را اثبات نموده است. ایران به خوبی می‌داند که به هم خوردن موازنه به سود ترکیه به معنای کاهش شدید قدرت چانه‌زنی ایران در سطح منطقه، افول جایگاه منطقه‌ای ایران و به خطر افتادن امنیت ملی کشور خواهد بود. در نتیجه، ایران ضمن حفظ موازنه تلاش نموده است تا با طولانی نمودن بحران سوریه و کشاندن آن به داخل خاک ترکیه و ایجاد نارضایتی داخلی، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی حفظ موازنه برای ترکیه را افزایش داده و از طریق برقراری ارتباط و افزایش تعامل با آمریکا و اتحادیه اروپا فشارها بر روی ترکیه را بیشتر نموده و این کشور را وادار به تجدید نظر در سیاستها و ارزیابی‌های خود نماید. ترکیه و متحدانش نیز تلاش نموده‌اند تا از طریق مذاکره با روسیه و به هم زدن ائتلاف میان ایران و روسیه و افزایش فشار بر ایران موازنه را به سود خود به هم بزنند (Davutoglu, 2013: 83-90).

به هم خوردن موازنه به سود ترکیه منافی نظیر: دستیابی ترکیه به هژمونی سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و ارتقای جایگاه این کشور در سلسله مراتب قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای، تسهیل فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به عنوان قدرت منطقه‌ای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و ترویج دهنده ارزشهای لیبرال دموکراسی، ارتقای جایگاه ترکیه در جهان اسلام به عنوان الگوی موفق تلفیق ارزشهای اسلامی و غربی و دسترسی ترکیه به فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کالا و خدمات در سطح منطقه را به همراه خواهد داشت. به هم خوردن موازنه به ضرر ترکیه آسیب‌هایی نظیر: کاهش اعتماد همسایگان (ایران و سوریه) به ترکیه و شکست سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان، افزایش موج نارضایتی داخلی از سیاستهای حزب عدالت و توسعه ترکیه، کاهش ثبات و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید و خدمات کاهش خواهد یافت و افول جایگاه ترکیه در

سلسله مراتب قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای را به‌همراه خواهد داشت (Yakis 2014, 98-106).

به هم خوردن موازنه به سود ایران منافی نظیر: ارتقای جایگاه ایران در سلسله مراتب قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای، دستیابی به فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری ایران در بخش‌های کالا و خدمات در سطح منطقه، حفظ نظم منطقه‌ای موجود به سود ایران و گسترش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه را به‌همراه خواهد داشت. به هم خوردن موازنه به ضرر ایران آسیب‌هایی نظیر: کاهش جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ایران، کاهش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، از دست دادن فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری ایران در بخش‌های کالا و خدمات در سطح منطقه و کاهش تأثیرگذاری ایران در نظم جدید منطقه‌ای را به‌همراه خواهد داشت (Barkey, 2013: 139-162).

۳-۵- تعامل واقع‌گرایانه پسا موازنه‌ای ایران و ترکیه

تقابل قدرت منطقه‌ای ایران و ترکیه در چهارچوب موازنه بر اساس بازی با حاصل جمع صفر زمانی می‌تواند منافع یکی از دو طرف را تأمین نماید که آنها توانایی لازم برای پیروزی در موازنه را داشته باشند. چنانچه ارزیابی ترکیه به‌عنوان کشور توسعه‌طلب از توانمندی رقبای خود درست نباشد و ایران به‌عنوان کشور موازنه دهنده توانایی لازم جهت ایجاد موازنه و تحمل هزینه‌های آن را داشته باشد و در نتیجه موازنه طولانی شده و هزینه‌های آن برای دو طرف افزایش یابد، منافع هیچکدام از دو طرف موازنه تأمین نخواهد شد و آنها تنها هزینه‌های حفظ موازنه را پرداخت خواهند نمود (Aras & Yorulmazlar 2014: 112-120).

در چنین شرایطی، بهتر است ترکیه به‌جای کسب مزیت مطلق به مزیت نسبی اکتفا نموده و از طریق مذاکره نگرانی‌ها و تهدیدات علیه ایران را برطرف نماید. ایران نیز نقش منطقه‌ای ترکیه را به‌عنوان یکی از بازیگران مطرح منطقه‌ای نه بازیگر مسلط به‌رسمیت بشناسد. در نتیجه چنین توافقی دو کشور ایران و ترکیه را به سمت بازی با حاصل جمع مضاعف هدایت می‌نماید و دو کشور ملاحظات یکدیگر را درک خواهند نمود. زمانی ترکیه به سمت تعامل با

ایران و حرکت به سمت بازی با حاصل جمع مضاعف پیش خواهد رفت که نخبگان و تصمیم‌گیرندگان ترکیه به این نتیجه برسند که محاسبات آنها در مورد قدرت منطقه‌ای ایران اشتباه بوده است و آنها به‌تنهایی توانایی ایفای نقش به‌عنوان بازیگر مسلط منطقه‌ای را ندارند و منافع آنها از طریق تعامل با سایر بازیگران منطقه‌ای تأمین خواهد شد. چنانچه حمایت روسیه از ایران تداوم داشته یابد و ایران نیز بتواند با آمریکا تعامل داشته باشد ترکیه مجبور خواهد شد تا از مواضع خود عقب نشینی نموده و نقش منطقه‌ای ایران را به‌رسمیت بشناسد.

۴-۵- تحلیل استراتژی‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه بر اساس نظریه بازیها

نظریه بازیها که مبتنی بر اصول ریاضیات و منطقی بوده و در رشته‌هایی مانند اقتصاد و روابط بین‌الملل کاربرد دارد، به بررسی و تحلیل موقعیت‌های تعارض‌آمیز که طی آن استراتژی‌ها و انتخاب‌های عقلایی بازیگران شکل می‌گیرد، می‌پردازد. در نظریه بازیها میان استراتژی‌های بازیگران وابستگی درونی وجود دارد. این وابستگی ممکن است به شکل پیاپی و استدلال خطی (انتخاب با آگاهی و توجه به تصمیمات طرف مقابل) یا به شکل همزمان و دور منطقی (انتخاب بدون آگاهی از تصمیمات طرف مقابل و با فرض اینکه انتخاب دو طرف عقلانی می‌باشد) مشاهده گردد.

با توجه به قابلیت کاربرد نظریه بازیها در موقعیت‌های تعارض‌آمیز، ما قصد داریم برای تحلیل تعارض منطقه‌ای ایران و ترکیه پس از تحولات اخیر جهان عرب از این نظریه نیز استفاده نماییم. در حقیقت، تعارض میان ایران و ترکیه بازی منطقه‌ای است که آغازگر آن ترکیه بوده است و ایران در برابر اقدامات ترکیه واکنش نشان داده است.

اقدامات ترکیه و آغاز بازی از سوی این کشور واکنش ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب ترکیه که منافع حیاتی‌اش به خطر افتاده بود را به‌همراه داشت. استراتژی ایران برای مقابله با تهدیدات ترکیه ایجاد موازنه بر علیه ترکیه از طریق ائتلاف با روسیه بود. هدف ایران از استراتژی خود در مرحله اول تبدیل نمودن بازی با حاصل جمع صفر (برد-باخت) به سود ترکیه به بازی با حاصل جمع منفی (باخت-باخت) و در مرحله دوم به بازی با حاصل جمع

صفر به سود ایران بوده است. تلاش‌های ایران جهت طولانی نمودن بحران سوریه و کشاندن آن به داخل مرزهای ترکیه و تلاش برای برقراری ارتباط و تعامل با آمریکا را می‌توان در این راستا تحلیل نمود. ترکیه نیز تلاش نموده تا با ایجاد شکاف میان ایران و روسیه ائتلاف شکل گرفته را از بین ببرد. پس از آن ترکیه تلاش نمود تا با کشاندن بحران به عراق و حمایت از دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بازی را به سود خود به اتمام برساند.

چنانچه دو بازیگر نتوانند بازی با حاصل جمع صفر (مطلق‌گرایی) را به سود خود به پایان برسانند و بازی به شکل حاصل جمع منفی ادامه یابد منافع هیچ کدام از دو طرف تأمین نخواهد شد و طولانی شدن بازی هزینه‌ها را افزایش داده و دو طرف را مجبور می‌سازد به سمت چانه‌زنی و رسیدن به نقطه تعادل (نقطه‌ای که طی آن دو طرف دست به انتخاب بهینه می‌زنند و منافع دو طرف تأمین می‌شود) یا بازی با حاصل جمع مثبت پیش بروند. رسیدن به نقطه تعادل به معنای درک ملاحظات و نگرانی‌ها و به رسمیت شناختن نقش منطقه‌ای دو طرف می‌باشد (Yeganegi dastgerdi, 2010: 135-139).

جدول شماره ۳: تعارض میان ایران و ترکیه پس از تحولات جهان عرب

کشور	بازی با حاصل جمع صفر به سود ترکیه (برد- باخت)		بازی با حاصل جمع منفی به زیان دو طرف (باخت-باخت)		بازی با حاصل جمع مثبت به سود دو طرف (برد-برد)	
	باخت	برد	باخت	برد	باخت	برد
ایران	×	-	×	-	-	×
ترکیه	-	×	×	-	-	×

۶- نتیجه‌گیری

هرچند، ایران و ترکیه پس از پایان جنگ سرد همواره در حال رقابت بوده‌اند، اما تحولات جهان عرب رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را به اوج رساند، تا آنجایی که حکومت اسلام‌گرای ترکیه اولویت‌های سیاست خارجی این کشور- به صفر رساندن مشکلات با همسایگان- را کنار گذاشت و روابط اش با ایران، عراق و سوریه را قربانی بلندپروازی رهبران حزب

اسلام‌گرای عدالت و توسعه نمود. ریشه سیاستهای ترکیه پس از تحولات جهان عرب را می‌توان در سه عامل جستجو نمود. اول: باورهای رهبران حزب عدالت و توسعه مبتنی بر ضرورت حرکت ترکیه به سمت ایجاد هژمونی منطقه‌ای؛ دوم: وابستگی ترکیه به انرژی و امکان تأمین انرژی ترکیه از طریق منابع انرژی عراق و خلیج فارس؛ سوم: رشد اقتصادی سالهای اخیر ترکیه و نیاز این کشور به بازارهای منطقه. تحولات جهان عرب فرصت مناسبی فراهم نمود تا ترکیه از طریق تسلط بر عراق و سوریه به اهداف سه‌گانه‌اش دست یابد. اما ارزیابی‌ها محاسبات نادرست رهبران ترکیه از رفتار احتمالی ایران و همچنین توانمندی‌های ایران موجب گردید ترکیه در بحران سوریه مداخله نماید و سیاستهای توسعه‌طلبانه‌اش را آغاز نماید. ناتوانی ترکیه در دستیابی به اهداف منطقه‌ای‌اش در سوریه و عراق و افزایش هزینه‌های حفظ موازنه و نارضایتی‌های داخلی در این کشور ترکیه را به سمت تعدیل در سیاست‌هایش در منطقه خاورمیانه و تعامل با ایران و پذیرش نقش برتر منطقه‌ای ایران پیش خواهد برد.

۷- ق‌دردانی

نگارنده‌گان مقاله بر خود لازم می‌دانند از مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه برای برگزاری همایش‌های کاربردی و سازنده در زمینه سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه پس از تحولات جهان عرب و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به‌واسطه حمایت‌های مادی و معنوی از پژوهش حاضر کمال تشکر و ق‌دردانی را داشته باشند.

References

- 1- Aras, Bulent & Yorulmazlar, Emirhan (2014), "Turkey and Iran after the Arab Spring: Finding a middle Ground", Middle East Policy, vol 21, No4, 112-120.
- 2- Atasoy, Seymen (2011), "The Turkish Example: A Model for Change in the Middle East", Middle East Policy, vol 18, No 3, pp 86-100.
- 3- Ayoob, Mohammad (2012), "The Arab Spring: It's Geostrategic Significance" Middle East Policy, vol 19, No3, pp 84-97.
- 4- Baev, Pavel (2011), "Russia counter-Revolution Stance toward the Arab Spring", Insight Turkey, vol 13, No 3, pp 11-19.
- 5- Barkey, Henry (2013), "Iran-Turkey Competition after the Arab Spring" Survival, vol 54, No6, pp139-162.
- 6- Bechev, Dimitav (2011), "Turkey's rise as a regional power", European view.
- 7- Davutoglu, Ahmet (2012), "Turkish Foreign Policy and the EU in 2010" Turkish Policy Quarterly, vol 8, No 3, pp 12-19.
- 8- Davutoglu, Ahmet (2013), "Turkish Mediation: Critical Reflections From the Field" Middle East Policy, vol xx, No1, pp 83-90.
- 9- Dince, Cengiz and Yetim, Mostafa (2012), "Transformation in Turkish Foreign Policy toward the Middle East: From Non-Involvement to A Leading Role" Alternative Journal of International Relations, vol 11, No 1, pp 68-81.
- 10- Donyaye Eqtesad news paper, (2012), pp 7-8[in Persian].
- 11- Fuller, Graham (2008), "The new Turkish Republic: Turkey as a Pivotal State in the Muslim World", United States Institute of Peace Publication, pp 67-115.
- 12- Fuller, Graham (2014), "Turkey and the Arab Spring: Leadership in the Middle East", Bozorg Publication, pp 25-42.
- 13- Furtig, Henner (2014), "Regional powers in the Middle East: New Constellations after the Arab revolts", Palgrave Macmillan publications, pp 209-221.
- 14- Kardas, Saban (2010), "Turkey: Redrawing the Middle East Map or Building a sand castel" Middle East policy, vol17, No 2, pp 118-136.
- 15- Katz N Mark (2013) "Russia and the Conflict in Syria" Middle East Policy, vol 20, No2, pp 38-46.
- 16- Khoury, Abeel,(2013), "Arab Cold War Revisted: The Regional Impact" Middle East Policy, vol 20, No2, pp 73-87.
- 17- Mercan, Murat (2011), "Turkish Foreign Policy and Iran" Turkish Policy Quarterly, vol8, No4, pp 12-19.
- 18- Mohamad, Idrees (2012), "Turkey and Iran Rivalry on Syria" Alternatives, vol 10, No 2, pp 65-75.

- 19- Murinson, Alexander (2006), "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy" Middle Eastern Studies, vol 42, No 6, pp 945-946.
- 20- Ozdem, Elvan (2010), "Turkey Middle East Policy in the Post Cold War Era" ,History Studies, vol IX , No 1, pp 272-274.
- 21- Ozkan, Mehmet and korut, Hasan (2013), "Turkish Foreign Policy toward the Arab Revolution" Epiphany, vol 6, No1, pp 163-176.
- 22- Tudoroice, Theodor (2013), "The Arab Spring: last Episode of Cold War" Contemporary Politics, vol 19, No3, pp 304-320.
- 23- World Investment Report, available at: www.UNCTAD.org February (2015).
- 24- Yakis, Yasar (2014), "Turkey After the Arab Spring: policy Dilemmas", Middle East Policy, vol 21, No 1, pp 98-106.
- 25- Yeganegi Dastgerdi, Vahid, (2010), "game theory and its applictions", vol 8, p.p 135-139 [in Persian].

Archive of SID